



قدرت گرفتن نگاه پروتستان‌ها، آنها برخلاف کاتولیک‌ها، طرفدار تجارت بوده و معتقد بودند تاجر موفق رضایت خدا را جلب کرده است. گذشت زمان و جدایی کلیسای انگلستان از روم در سال ۱۵۳۴ میلادی منجر به تغییر برخی از اندیشه‌های موجود می‌شود، به نحوی که ربا دیگر حرام نیست.

نخستین بانک ایرانی با سرمایه ایرانی در سال ۱۳۰۴ با نام بانک پهلوی با هدف فعالیت‌های مالی و بهره‌گیری از وجوه صندوق بازنشستگی قشون و درجه‌داران ارتش تأسیس شد. نام این بانک در اواخر سال ۱۳۱۶ به بانک سپه تغییر یافت. دومین بانک ایرانی نیز در سال ۱۳۰۷ و با نام بانک ملی ایران تأسیس شد که هدف اصلی از تأسیس آن، پیشرفت تجارت، کشاورزی و صنعت بود. دو سال پس از شروع فعالیت این بانک، دولت ایران با پرداخت ۲۰۰ هزار لیره استرلینگ، امتیاز نشر اسکناس را از بانک شاهنشاهی ایران خریداری کرد و آن را برای مدت ۱۰ سال در اختیار بانک ملی قرار داد. پس از آن وظایف مهم‌تری همچون انجام امور بانکی مربوط به دولت و تنظیم جریان پولی کشور نیز به بانک ملی محول و یک شعبه تخصصی به نام شعبه فلاحتی به منظور اعطای وام به کشاورزان تأسیس شد. افتتاح این شعبه تخصصی نخستین گام در راه ایجاد بانک‌های تخصصی در ایران محسوب می‌شد، چراکه گسترش فعالیت آن شعبه به تدریج دولت را به سوی تشکیل بانک مستقلی به نام بانک فلاحتی و صنعتی ایران در سال ۱۳۱۲ رهنمون کرد. در سال ۱۳۱۸ نام بانک فلاحتی و صنعتی ایران به بانک کشاورزی و پیشه و هنر و در سال ۱۳۳۴ به بانک کشاورزی ایران تغییر یافت. هدف بانک کشاورزی ایران کمک به توسعه و گسترش کشاورزی، آبیاری و صنایع روستایی کشور بود. فعالیت این بانک پس از اجرای طرح اصلاحات ارضی بسیار گسترش یافت و نام آن به بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستایی ایران تغییر یافت، سپس در سال ۱۳۴۵ به بانک کشاورزی ایران و سرانجام در سال ۱۳۴۸ به بانک تعاون کشاورزی ایران تبدیل شد. بانک مذکور در دوره اجرای وام‌های اندک و کوتاه‌مدت طرح اصلاحات ارضی و سال‌های پس از آن، عمدتاً وام‌های اندک و کوتاه‌مدت در اختیار کشاورزان قرار می‌داد. دومین بانک به نام توسعه بخش کشاورزی نیز در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد. این بانک در آغاز با نام صندوق توسعه کشاورزی ایران شروع به فعالیت کرد. بانک توسعه کشاورزی ایران در سال ۵۸ با بانک تعاون کشاورزی ایران ادغام و بانک کشاورزی امروزی ایجاد شد. این بانک در دوره پس از انقلاب به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق تعاونی‌ها وام‌های کوتاه‌مدت در زمینه‌های زراعت، باغداری، کشت گیاهان صنعتی و دارویی، دامداری، پرورش طیور و ماهیان در اختیار واجدان شرایط گذاشته یا به سرمایه‌گذاری در زمینه‌های یاد شده پرداخته است. دومین بانک توسعه و نخستین بانک توسعه ساختمان در ایران بانک رهنی ایران بود. فعالیت این بانک در زمینه اعطای وام برای ساختمان‌سازی، تعمیرات ساختمان و... در ازای رهن

اموال غیرمنقول بود. در سال ۱۳۵۳ بانک ساختمان با سرمایه‌گذاری چهار بانک رهنی ایران، توسعه صنعتی و معدنی، ملی ایران، فراه کارگران و شرکت بیمه ایران تأسیس شد. هدف مهم این بانک ایجاد تسهیلات لازم برای اجرای طرح‌های عمرانی بود. در سال ۱۳۵۵ بانک دیگری به نام شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی بانک‌های ایران با سرمایه‌گذاری بانک‌های خصوصی و دولتی و اشخاص حقیقی ایرانی تأسیس شد. بعدها سه بانک ساختمان، شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی بانک‌های ایران و رهنی ایران با شرکت‌های پس‌انداز مسکن کوروش، اکباتان و پاسارگاد مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، اهواز، گیلان، کرمانشاه، همدان، مازندران، گرگان، ارومیه، سمنان و آبادان که همگی تحت نظارت بانک رهنی ایران بودند ادغام شدند و بانک مسکن فعلی را به وجود آوردند. بانک‌هایی مانند ملی و سپه نیز به معنای دقیق کلمه ملی بودند، چراکه هم سرمایه آنها ملی بود و هم مستقیماً از سوی دولت اداره می‌شدند. یک بانک خارجی به نام بانک شاهنشاهی نیز وجود داشت که متعلق به انگلستان بود. در زمان دکتر مصدق به موازات ملی شدن صنعت نفت و شیلات، موضوع تغییر سرمایه و مدیریت بانک شاهنشاهی از خارجی‌ها به داخلی‌ها مطرح شد. از آنجا که آن زمان بانک مرکزی به معنای امروزی آن وجود نداشت، مسئولیت چاپ اسکناس در آن سال‌ها بر عهده بانک شاهنشاهی بود، در حالی که به دلیل داشتن اختیار چاپ پول، طبیعتاً از سوی دولت ایران اداره می‌شد، با این حال، هم سرمایه و هم مدیریت این بانک در اختیار انگلیسی‌ها بود. در نهایت با پیگیری‌های دکتر مصدق، بانک شاهنشاهی به بانک بازرگانی تبدیل می‌شود؛ بانکی که صرفاً با سرمایه مردمی فعالیت می‌کند. در واقع این بانک در آن مقطع هنوز دولتی نشده بود و صرفاً مردمی بود. مدتی وضع به همین منوال گذشت تا آرام‌آرام بعضی از بانک‌ها مانند صادرات نیز یا به عرصه بانکداری گذاشتند. این بانک با توجه به داشتن سرمایه‌گذاران ثروتمند و البته زیرک، توجه بیشتری به توده مردم داشت، به نحوی که برخی از شعب آن حتی در روستاهای دورافتاده و با یک یا دو کارمند تأسیس شده بود. یکی از کارمندان بانک ملی در این باره می‌گوید: در سال‌های قبیل از انقلاب بزرگ‌ترین بانک کشور، ملی بود؛ البته بانک‌های دولتی دیگری مانند سپه، تعاون و کشاورزی و... نیز وجود داشتند که مقادیر عمده‌ای از مجموع سپرده‌ها در اختیار همین بانک‌های دولتی قرار داشت.

بزرگ‌ترین بانک بخش خصوصی در آن زمان، بانک صادرات بود؛ ضمن اینکه عمده بانک‌های خصوصی دیگر بانک‌های مختلط بودند؛ یعنی سرمایه‌گذار خارجی نیز در آن بانک‌ها شریک بود. بانک صادرات ایران با خلافت توانسته بود وضعیتی خوبی برای خودش ایجاد کند. سیاست این بانک، ایجاد شعب کوچک ولی فراوان در سطح کشور بود. بانک صادرات در محله‌های شهرهای بزرگ، شعبه‌هایی با فضای کم و حتی با یک یا دو نفر کارمند

بانک‌ها چگونه شکل گرفتند؟



برش

با پیدایش پول رایج، مبادله ارزش بسیار آسان‌تر و کارآمدتر شد، به نحوی که افراد می‌توانستند به آسانی سکه‌ها یا طلاها را با کالاهای دیگر دادوستد کنند. از طرفی، بدون شک مدیریت پول رایج بدون بانکداری امکان‌پذیر نبود و حتی صدور آن به مدیریت بانک‌ها نیاز داشت. نخستین بانک‌ها، بانک‌های مرکزی بودند که توسط دولت‌ها برای کمک به مدیریت اقتصاد اداره می‌شدند. بانک‌های مرکزی در بالای سلسله مراتب اقتصادی قرار دارند و مدیریت و نظارت بر کل قتصاد را فراهم می‌کنند. (اگرچه تصور بیشتر افراد از بانک‌ها مکانی است که پول‌شان را سپرده یا پولی را از آنجا قرض گرفته‌اند) هنگامی که مردم به جمع‌آوری ثروت به شکل پول مکان ایده‌آلی برای انجام این کار نبود، یوئزه اگر کسی مقدار قابل توجهی پول جمع می‌کرد، خطراتی از قبیل به سرقت رفتن این پول‌ها مطرح بود. در عهد قدیم، معابد معمولاً این وظیفه را به عهده داشتند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد معابد علاوه بر ذخیره پول برای دیگران و تأمین امنیت برای سپرده‌گذاران، به اعطای وام نیز می‌پرداختند، گرچه وظیفه اصلی آنها ذخیره دارایی بود.

نحوه تأسیس اولین بانک ایرانی



برش

نخستین بانک ایرانی با سرمایه ایرانی در سال ۱۳۰۴ با نام بانک پهلوی با هدف فعالیت‌های مالی و بهره‌گیری از وجوه صندوق بازنشستگی قشون و درجه‌داران ارتش تأسیس شد. نام این بانک در اواخر سال ۱۳۱۶ به بانک سپه و در سال ۱۳۲۱ به بانک تعاون سپه تغییر یافت. دومین بانک ایرانی نیز در سال ۱۳۰۷ و با نام بانک ملی ایران تأسیس شد که هدف اصلی از تأسیس آن، پیشرفت تجارت، کشاورزی و صنعت بود. دو سال پس از شروع فعالیت این بانک، دولت ایران با پرداخت ۲۰۰ هزار لیره استرلینگ، امتیاز نشر اسکناس را از بانک شاهنشاهی ایران خریداری کرد و آن را برای مدت ۱۰ سال در اختیار بانک ملی قرار داد. پس از آن وظایف مهم‌تری همچون انجام امور بانکی مربوط به دولت و تنظیم جریان پولی کشور نیز به بانک ملی محول و یک شعبه تخصصی به نام شعبه فلاحتی به منظور اعطای وام به کشاورزان تأسیس شد.



با ایجاد بانک فرانسه، در واقع بانکداری جدید نیز در اروپا شکل گرفت و به مرور بر تعداد بانک‌ها با کارکردهای مختلف افزوده شد.

دایر می‌کرد؛ یعنی توانسته بود بانکداری را به میان خانه‌های مسکونی و کسبه محله‌ها ببرد. این کار تا حدودی با اقبال عمومی نیز مواجه شده بود. آن زمان معروف شده بود که بانک صادرات حتی می‌خواهد در روستاهایی با چند خانوار هم یک شعبه بانکی ایجاد کند. در مقابل بانک صادرات، سیاست بانک ملی، ایجاد شعب بزرگ بود مثلاً شعبه مرکزی شعبه بازار، شعبه سعدی یا شعب بزرگ مراکز استان‌ها. شعبه بازار بانک ملی در سال ۱۳۳۲ به تنهایی بیش از ۷۰۰ کارمند داشت! اما توفیق بانک صادرات در ایجاد شعب کوچک، بانک ملی را ناچار به تغییر رویه در تأسیس شعب کرد و این بانک نیز به تأسیس شعب کوچک با تعداد زیاد پرداخت. بررسی‌های به عمل آمده در آن مقطع نشان می‌دهد متوسط کارکنان شعب بانک ملی دوازده نفر و شعب بانک صادرات پنج نفر بوده. بانک ملی با اینکه یک بانک دولتی بزرگ بود ولی به علت رقابت با سایر بانک‌ها و به علت سازمان مدیریتی مطلوب، اختیارات لازم و کافی و نیز مسئولیت پاسخگویی، توانسته بود بهترین عملکرد را در بانکداری کشور به خود اختصاص دهد. این تجربه نشانگر آن بود که صرف دولتی بودن موجب عدم توفیق نیست. با این حال، اگرچه بانک صادرات در دهه ۵۰ با افزایش تعداد شعب و ضریب نفوذ خود از جایگاه بالایی در نظام بانکی کشور برخوردار شده بود اما از آنجا که حال وهوای شور انقلابی در سال ۵۶ تشدید شده بود و از طرفی یکی از سهامداران عمده این بانک بهایی بود، رژیم پهلوی در سال‌های آخر حکومت خود اقدام به راه‌اندازی بانک‌های خصوصی زیادی کرد که از جمله می‌توان به بانک ایرانیان، بانک عمران، بانک تهران و... اشاره کرد که یا وابسته به بنیاد پهلوی بودند یا افرادی مانند رام، لاله، زندانی و... مالک آنها به شمار می‌رفتند. با تأسیس بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹، بسیاری از وظایف از جمله چاپ پول و تهیه‌آمار و بررسی‌های اقتصادی از بانک ملی به بانک مرکزی منتقل شد. چند سال بعد از تأسیس بانک مرکزی و پس از اجرای برنامه تثبیت اقتصادی در اوایل دهه ۴۰ با آغاز فعالیت مهدی سمعی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی، نظریه توسعه‌گرایانه از سال ۴۲ پیگیری شد. در این دوران تأکید بر تأمین منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاری در طرح‌های برنامه توسعه اقتصادی، تأمین کسری بودجه دولت از سوی بانک مرکزی، فراهم‌کردن منابع لازم جهت اعتبارات عمرانی فقیرزدا و اشتغالزای کمک به توسعه اقتصادی کشور بود.

درواقع، موضوع توسعه در مقایسه با مبارزه با تورم از اولویت بیشتری برخوردار بود. در ضمن حال بانک‌ها جهت جمع‌آوری سپرده‌های بخش خصوصی و اعطای اعتبارات مورد نیاز این بخش با تأکید بر فعالیت‌های اشتغالزای تشویق به اعطای اعتبار شدند تا کمبودهای اعتباری دوران تثبیت اقتصادی جبران شود. در آن دوران تأکید بر بازپرداخت اعتبارات اعطایی بانک مرکزی به دولت و اعتبارات اعطایی بانک‌ها به بخش خصوصی بود که همواره با پیجویی مطالبات بانک مرکزی از دولت و نظارت بانک مرکزی بر فعالیت‌های بانک‌ها انجام می‌گرفت. کوشش بانک مرکزی و بانک‌ها در اجرای نظریه توسعه‌گرایانه،

همگام و هماهنگ با دولت حتی تا دهه ۵۰ همچنان ادامه یافت. پس از افزایش بهای نفت از اوایل دهه ۵۰، فعالیت‌های اقتصادی بیش از حد گسترش یافتند که همین موضوع منجر به ایجاد تنگناهای بسیاری در اقتصاد ایران شد. در این دوره اگرچه اقبال به نظریه توسعه‌گرایانه ازسوی بانک‌های تخصصی همچنان ادامه داشت، ولی در مجموع شدت اجرای آن در بانک‌های تجاری تا حد قابل توجهی کم‌رنگ‌تر شد و موضوع کنترل گسترش نقدینگی و جلوگیری از تورم در مقایسه با دهه ۴۰ از اولویت بیشتری برخوردار شد. در دهه ۵۰ با افزایش شدید درآمدهای ارزی به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت، سیستم بانکی در ایران به سرعت گسترش یافت. ریشه اساسی توسعه بانکی را می‌توان در افزایش درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت و تجدید نظر در اهداف برنامه پنجم توسعه کشور بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های نیروی انسانی و با اتکای فراوان به واردات دانست. رونق اقتصادی حاصل شده در آن سال‌ها، بیشتر در بخش خدمات ظاهر شد. این موضوع را می‌توان یکی از دلایل گسترش شبکه بانکی در این دهه دانست. افزایش فعالیت‌های بانکی در این سال‌ها به حدی بود که بین سال‌های ۵۱ تا ۵۷، حجم عملیات بانکی هفت برابر شد. تعداد بانک‌های تجاری و تخصصی از ۲۶ به ۲۶ بانک افزایش یافت و حدود ۱۳۰ واحد بانکی به شبکه بانکی کشور اضافه شد. در حالی که در سال ۵۳ حدود ۶۹۹۳ واحد بانکی در کشور وجود داشت، تعداد واحدهای بانکی در سال ۵۷ به ۸۲۷۵ واحد رسید که از این تعداد ۲۶ درصد آنها در تهران، ۲۳ درصد در مراکز استان‌ها و ۴۹ درصد در سایر شهرستان‌ها و مابقی واحدها شامل ۸۶ واحد بانکی و یک نمایندگی در خارج از کشور قرار داشتند. در سال ۵۷ اعصاب‌های کارگری و کارمندی همراه با عدم اطمینان به آینده، منجر به برداشته‌های قابل توجه سپرده‌های بخش خصوصی نزد سیستم بانکی شد. بین ماه‌های شهریور تا بهمن ۵۷ که ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بودند، بخش خصوصی ۲۹۵ میلیارد ریال از سپرده‌های خود نزد سیستم بانکی را برداشت کرد. در این مدت ۴۱۲ میلیارد ریال اسکناس مسکوک به دست اشخاص اضافه شد. میل و رغبت مردم به نگهداری پول نقد موجب شده بود سهم پول در نقدینگی بخش خصوصی از ۳۷ درصد در سال ۵۶ به ۴۷ درصد در پایان سال ۵۷ افزایش یابد. اگرچه تعداد بانک‌های خصوصی و غیرملی در سال‌های قبیل از انقلاب زیاد بودند، اما از اواخر دهه ۳۰ که بانک مرکزی در ایران تأسیس شده بود، بانک‌هایی که عملاً با سرمایه مردم و اجازة و تضمین و نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کردند، با توجه به مسائلی که در آستانه انقلاب پیش آمد، بدهی‌های سنگین به مردم و بانک‌های خارجی بالا آوردند؛ چون در همان زمان بانک‌های خارجی زیادی در کشور تأسیس شده بود و بانک مرکزی هم براساس وظایف ذاتی خود به نوعی ضامن تمام این بانک‌ها محسوب می‌شد و باید این بدهی‌ها را برعهده می‌گرفت تا هم ارزش پول ملی حفظ شود و هم ورشکستگی پیش نیاید؛ موضوعی که ضرورت تعیین رویکرد در نظام بانکداری کشور را ضروری می‌ساخت.